

بررسی نظام معاهده ای قطب جنوب با تأکید بر حفظ محیط زیست و حاکمیت بر آن مناطق

سید احمد راثی^{۱*}، دکتر مژگان رامین نیا^۲

*^۱- کارشناس ارشد حقوق بین الملل

^۲- دکترای تخصصی حقوق بین الملل، استادیار دانشگاه پیام نور استان تهران

*ایمیل نویسنده مسئول: seyidahmadrasi1994@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۴

چکیده

قطب جنوب یکی از مناطقی است که علی رغم ادعای ارضی برخی دولت ها، به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته شده است. منطقه ای که باید در چارچوب قوانین خاص با مشارکت همگانی دولت ها اداره شود. این ضوابط و قوانین در قالب نظام معاهده ای قطب جنوب در سال ۱۹۵۹ ظاهر گردیده است. هدف این مقاله بررسی وقایع و چگونگی بهره برداری از منابع طبیعی و اعمال حاکمیت بر منطقه قطب جنوب مطابق با معاهده قطب جنوب و مشخص نمودن نقاط قوت و ضعف این نظام حقوقی در قالب حقوق بین الملل می باشد. نتایج نشان می دهد که با توجه به خصوصیات ویژه قطب جنوب و وضعیت ناپایدار حاکمیتی آن، تنها مرجع صلاحیتدار برای تعیین دقیق نظام حقوقی قطب جنوب و حفاظت از محیط زیست آن سازمان ملل می باشد که باید اساس کار خود را معاهده ۱۹۵۹ قطب جنوب قرار دهد. با اینکه مجمع عمومی سازمان ملل در طی سالیان متمادی بر حل معضل قطب جنوب تأکید کرده است ولی با این حال نمود عینی و راه حل اساسی برای حل این مشکل ارائه نشده است و اگر هم ارائه شده باشد بنا به دلایلی اجرا نشده است.

کلمات کلیدی

"قطب جنوب"، "نظام معاهده ای قطب جنوب"، "حاکمیت بر قطب جنوب"، "حقوق بین الملل"، "محیط زیست قطب جنوب"

Study on The Antarctic Treaty System Emphasizing environmental protection and sovereignty over that region

Seyyid ahmad rasi^{1,*}, Mozghan raminnia²

¹ Graduate Faculty of law, University of Tehran pnu, Teharn, Iran

*Email Address: seyidahmadrasi1994@yahoo.com

Abstract

Antarctica is one of the areas that, despite the territorial claims of some governments, is recognized as a common heritage of humanity. An area that must be governed by specific laws with the public participation of governments. These rules and regulations appeared in the Antarctic Treaty System in 1959. The purpose of this article is to examine the events and how to exploit natural resources and exercise sovereignty over the Antarctic region in accordance with the Antarctic Treaty and to identify the strengths and weaknesses of this legal system in the context of international law. The results show that given the particular characteristics of Antarctica and its unstable state of sovereignty, the only authority competent to determine precisely the Antarctic legal system and its environmental protection is to base its work on the 1959 Antarctic Treaty. Although the UN General Assembly has been emphasizing the Antarctic dilemma for many years but it has never provided an objective and substantive solution to the problem and has not been implemented for any reason.

Keywords

"Antarctica", "the Antarctic Treaty System", "Governance on Antarctica", "international law", "Antarctic Environment"

مقدمه

در حقوق بین الملل معاصر چنین پایه هایی برای ایجاد مالکیت کامل نیست، بلکه به طور معمول مالکیت بر این نواحی باید به وسیله تصرف مؤثر^۱ و اسکان دائمی^۲ کامل شود. به طور کامل اگر چنین تصرفی به صورت آشکار و مؤثر بر آن نواحی صورت نگیرد، این نواحی در ردیف نواحی تصرف نشده قرار می گیرند. (Jessup 1961 & Boggs 1990) در ضمن بحث حاکمیت در خصوص مناطق یخ زده قطب جنوب در حقوق بین الملل بحث پیچیده ای است، زیرا هنوز قواعد کاملی برای حاکمیت بر یخ در حقوق بین الملل وضع نشده است. بنابراین به سادگی نمی توان ادعای مالکیت و حاکمیت را بر این مناطق را مطرح کرد. به عبارت دیگر با توجه به وضعیت ویژه یخ ها و کوه های یخی و فلات های یخی قطب جنوب و نبود معیار ها و قواعد مناسب در حقوق بین الملل برای تعیین وضعیت حقوقی آنها نمی توان استدلال مدعیان حاکمیت در قطب جنوب را در زمینه اشغال و تصرف مناطق یخی قطب جنوب مورد قبول قرار داد. حتی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای نیز مقرراتی در خصوص وضعیت حقوقی قطب جنوب (به صورت مشخص) دربر ندارد. تنها ماده مربوط به قطب جنوب در این کنوانسیون ماده ۲۳۴ (نواحی پوشیده از یخ) می باشد که در قسمت هشتم از بخش دوازدهم، حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی، درج نشده است. این ماده مقرر می دارد: ((دولت های ساحلی حق دارند که قوانین و مقررات غیر تبعیض آمیزی را برای پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی ناشی از کشتی ها در نواحی پوشیده از یخ در داخل منطقه انحصاری خود پذیرفته و به اجرا بگذارند. (طلایی و منصوره ۱۳۸۵)

۱- نظام حقوقی قطب جنوب

بعد از کشف قطب جنوب توسط آمودسن، اسکات و شالکتون اختلافات و در عین حال رقابت های گسترده ای که از سال ۱۹۱۰ برای اعمال حاکمیت و تصرف این سرزمین آغاز شده، بعد از دهه ۴۰ میلادی هفت دولت (آرژانتین، استرالیا، شیلی، فرانسه، نیوزلند، نروژ و بریتانیا) مناطق مختلف مشخصی را برای اعمال حاکمیت خود در قطب جنوب برگزیده و به تصرف خود درآوردند. ولی در کل ادعای ارضی این دولت توسط سایر دولت ها به هیچ وجه به رسمیت شناخته نشده است. از سال ۱۹۵۹ که آرژانتین به طور جدی بر مناطقی از قطب جنوب ادعای ارضی نمود نظام معاهده ای قطب جنوب (رژیم حقوقی چگونگی اعمال حاکمیت و بهره برداری از قطب جنوب) به منصفه ظهور رسید. قدرت های بزرگ همچون شوروی، ایالات متحده و بریتانیا تصمیم گرفتند با ایجاد معاهده ای، مانع از سلطه کشورها بر قطب جنوب شوند. (ویکی پدیای فارسی) دولت ها تقسیم منطقه ای از جهان بین ده درصد دولت ها را قابل قبول و منطقی نیافتند و درصدد بحث و برقراری رژیم حقوقی جهت کنترل این منطقه سردسیر از طریق سازمان ملل برآمدند.

۱-۱- معاهده قطب جنوب^۳

در ۲۳ ژوئن ۱۹۶۱ این معاهده ۱۴ ماده ای به مرحله اجرا درآمد. (www.polarcoservation.org, 2005) در ابتدا تنها ۱۲

کشور فعال در پروژه سال ژئوفیزیک بین الملل (از ژوئن ۱۹۵۷ تا دسامبر ۱۹۵۸) شامل ایالات متحده آمریکا، شوروی، بریتانیا، آرژانتین، استرالیا، بلژیک، شیلی، فرانسه، ژاپن، نیوزیلند، نروژ و آفریقای جنوبی آن را امضا کردند. این کشورها ۵۰ ایستگاه خدمتی در قطب جنوب ایجاد کرده اند. این معاهده، بیانی دیپلماتیک از همکاری علمی و عملی است که اصطلاحاً ((بر روی یخ)) به دست آمده است. (Encyclopedia Britannica, 1992) در کل به معاهده قطب جنوب و هر توافق مرتبط با آن سیستم معاهده ای قطب جنوب یا نظام معاهده ای قطب جنوب^۴ می گویند که روابط بین المللی بر سر قطب جنوب را تنظیم می کند. اهداف اصلی و اساسی این معاهده در ۴ ماده اول آن آمده است. برای دستیابی به اهداف این معاهده، قطب جنوب به صورت منطقه سنگی و کلیه یخچال ها و یخ های موجود در آن در پد این تر از مدار ۶۰ درجه جنوبی تعریف شده است. (www.ats.aq) ماده یک هدف این معاهده را فقط برای مقاصد صلح آمیز می داند و هر گونه فعالیت نظامی را در این منطقه منع کرده است. در واقع هدف اصلی از معاهده قطب جنوب حصول اطمینان از بهره برداری از منابع قطب جنوب در جهت منافع بشریت برای همیشه و منحصرأ برای مقاصد صلح آمیز بوده و نباید تبدیل به صحنه تفرقه دولت ها در سطح بین الملل باشد و از هر گونه اقدامات از نوع ماهیت نظامی باید جلوگیری شود. براساس ماده ۲ نیز تحقیقات و همکاری های علمی برای همه کشورها آزاد تلقی شده است. ماده ۳ نیز تبادل آزادانه اطلاعات در همکاری با سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی دیگر را تأمین کرده است. ماده ۴ ادعای حاکمیتی در آن منطقه را رد کرده است. ولی نقطه قابل تاملی در ماده ۱ وجود دارد که اهمیت تمرکز بر آن را دوچندان کرده است. در ماده یک حضور بی خطر پرسنل نظامی را ممنوع نکرده است که خود جای سوال و ابهام دارد. چگونه ممکن است منطقه ای را عاری از هر گونه حق حاکمیت دولتی دانسته و منابع موجود در آن را متعلق به همگان بدانیم ولی حضور پرسنل نظامی ممنوع نباشد؟ آیا این حضور جز برای تأمین منافع آن دولت در آن منطقه (دولتی که پرسنل نظامی خود را به قطب جنوب اعزام نموده است)، می تواند علت دیگری هم داشته باشد؟ به نظر می رسد حضور نظامی یک کشور در قطب جنوب مردود باشد؛ زیرا اگر قرار باشد سازمان ملل به عنوان نماینده جامعه جهانی اعمال حاکمیت کند دیگر نیازی نیست که دولتی حضور نظامی منحصر به فرد در منطقه داشته باشد. سازمان ملل باید به صورت مشترک، همه منافع ملت ها و دولت ها را مدیریت کرده و تنها مرجع حکمران بر این منطقه قلمداد شود. بدین صورت، حضور نظامی کشوری (چه به صورت دفاتر و چه به صورت دوژوره) در قطب جنوب نمی تواند توجیه عقلانی و منطقی از دید حقوقی داشته باشد.

۱-۲- اقدامات مورد توافق برای حفاظت از گیاهان و جانوران قطب جنوب^۵

۱۲ دولت طرف معاهده قطب جنوب از سال ۱۹۶۱ با موافقتنامه های متعدد خرد تحت نظر معاهده قطب جنوب سیستمی را به وجود آورده

۴. The Antarctic Treaty System

۵. Agreed Measures for the Conservation of Antarctic Fauna and Flora

۱. Effective Occupation

۲. Permanent Settlement

۳. Antarctic Treaty

بود. در سال های اخیر مخصوصاً در سال ۲۰۰۷، به دلیل پیشرفت های فنی که باعث پردازش سریع در دریا و افزایش تقاضا برای محصولات کریل شده، به ویژه مکمل های امگا ۳ و خوراکی پروتئین که برای آبریان تهیه می شود، ۷۶۴۰۰۰ تن صید شد. این معاهده ارزیابی منابع را تهیه کرده است که اصول ماده ۲ را به خود اختصاص داده است. در ۱۹۹۰، کمیسیون، اهداف مربوط به صید منابع کریل را تأیید کرد. توسعه مدل بازده کریل، محدودیت های صید را برای عملکرد سالانه سهام کریل تعیین می کند. (رائی، ۱۳۹۸) بخش اول قاعده براساس معیارهای ماده دوم است. این تلاش برای به حداقل رساندن خطر افزایش میزان ماهیگیری است. تصمیم دوم قاعده بر حفظ محیط زیست و تنظیم توازن بین طعمه و میزان شکار همانطور که در ماده ۲ (b۳) آمده است، متمرکز است. این سطح سازش بر اساس این فرض است که در صید شیلات خاص میزان ۵۰٪ سطح قابل قبولی است. پس از محاسبه معیارهای شماره ۱ و ۲، بخش سوم قاعده تصمیم گیری منجر به انتخاب سطح پایینی از دو محصول (یا سطح صید) می شود. انتخاب کمترین بازده به معنای تحقق هر دو معیار در قاعده تصمیم گیری است. معاهده حفاظت از منابع زنده دریایی قطب جنوب نه تنها محدودیت های پیشگیرانه و مبتنی بر اکوسیستم را برای گونه های کمیاب از جمله ذخایر ماهی کریل و سایر ماهی ها تعیین می کند، بلکه می گوید اکوسیستم را نیز کنترل کند. برنامه نظارت بر محیط زیست معاهده حفاظت از منابع زنده دریایی قطب جنوب ۱۹۸۵^۴ برای نظارت بر گونه های کلیدی تاسیس شد. این برنامه اهداف زیر را دنبال می کند:

- شناسایی و ثبت تغییرات چشمگیر در مؤلفه های مهم اکوسیستم، به عنوان پایه ای برای حفاظت از منابع دریایی قطب جنوب
- برای تمایزبخشی بین تغییرات ناشی از صید گونه های تجاری و تغییرات ناشی از تغییرپذیری محیطی، از نظر جسمی و بیولوژیکی. (رائی، ۱۳۹۸) نظارت بر کل اکوسیستم اقیانوس منجمد جنوبی کار عظیمی است، زیرا این معاهده مفهوم گونه های شاخص را تصویب کرده است. گونه های وابسته یا مرتبط که احتمالاً منعکس کننده تغییرات و در دسترس بودن و وضعیت منابع ماهیگیری هستند. گونه های شکار برای موقعیت های اصلی اکوسیستم های قطب جنوب انتخاب کرده اند، جایی که صید بالقوه می تواند تأثیر عمده ای بر سیستم دریایی داشته باشد. تعدادی از پارامترها برای هر گونه دریایی مورد بررسی قرار می گیرند تا به تغییرات در دسترس بودن طعمه یا شکار و عوامل زیست محیطی پاسخ دهند. معاهده مجموعه ای از رویه های نظارت استاندارد را به وجود آورده است که توسط کشورهای عضو شرکت کننده مورد استفاده قرار می گیرد که در آن تعامل بین شکارچیان، طعمه ها، ماهیگیری و محیط زیست با جزئیات مورد بررسی قرار می گیرد. (رائی، ۱۳۹۸) چالش اساسی برنامه نظارت بر محیط زیست معاهده حفاظت از منابع زنده دریایی قطب جنوب ۱۹۸۵، اجرای داده های اکوسیستم در قواعد تصمیم گیری برای مدیریت شیلات است. این مفهوم محور بحث فعلی و آینده در کارگروه نظارت و مدیریت اکوسیستم است. با وجود اکوسیستم که از سال ۱۹۸۷ مورد نظارت قرار گرفته است، اخیراً تلاش شده است تا از این اطلاعات برای تأثیرگذاری بر قواعد تصمیم گیری استفاده شود. بخشی از آن به

اند که نخستین تجلی و ظهور این نظام همین اقدامات مورد توافق برای حفاظت از گیاهان و جانوران می باشد که در سال ۱۹۶۴ مورد توافق چند دولت قرار گرفت. مجموعه ای از معیارهای توافق شده در سومین مجمع شورای مشورتی معاهده قطب جنوب است که در ژوئن ۱۹۶۴ در بروکسل بلژیک به صورت "توصیه نامه هشتم" ارائه شد. این توافق، بخشی از سیستم معاهده ای قطب جنوب است اما از سال ۲۰۱۱ دیگر به اجرا در نمی آید. (www.ats.aq) این موافقت نامه منطقه حفاظت شده ویژه ای به وجود آورد که در این منطقه شکار، زخمی کردن و شکار حیوانات و پرندگان برای هر هدفی ممنوع اعلام شد. در واقع کل منطقه قطب جنوب شامل این منطقه حفاظت شده ویژه می شد. (LYSTER, 1985)

۱-۳- موافقتنامه حفاظت از خوگ های دریایی قطب جنوب^۱

دومین حلقه زنجیره حفاظتی از نظر بوم شناسی در قطب جنوب در سال ۱۹۷۲ با این موافقتنامه ظاهر شد. توجه به متن آن، دولت های طرف این موافقتنامه موظفند شکار خوگ های دریایی، فک ها و پنگوئن ها را هر ساله محدودتر از سال قبل نمایند. همچنین طبق این موافقتنامه ملزم اند شکار بعضی از گونه های این حیوانات را به کلی ممنوع نمایند. در فصل شکار نیز دولت ها باید بین خود تفاهم نامه ای امضا کنند تا شکار بعضی از گونه های این حیوانات را تحت کنترل خود در بیاورند. همچنین دولت های طرف این موافقتنامه مکلف اند تعداد خوگ های آبی شکار شده، سن و جنس این حیوانات شکار شده و همچنین کشتی هایی که توسط آن ها این شکار صورت پذیرفته است را اعلام نمایند. گرچه در این موافقت نامه برگزاری مجمع عمومی دولت ها و گردهمایی آن ها در هر پنج سال پیش بینی شده است ولی با این حال دول عضو می توانند هر زمان که نیاز ببینند گرد هم آیند و مشکلات خود را مطرح و حل و فصل نمایند.

۱-۴- موافقتنامه حفاظت از منابع دریایی زنده قطب جنوب^۲

معاهده حفاظت از منابع دریایی زنده قطب جنوب استراتژی های ابتکاری را برای اجرای اکوسیستم و رویکرد های پیشگیرانه تدوین کرده است. این چالش ها بویژه در چارچوب فشارهای سیاسی و اقتصادی که با تصمیم ۲۴ دولت جهت تداوم حرکت علمی برای مدیریت اکوسیستم ایجاد شده است. علی رغم این چالش ها، معاهده حفاظت از منابع زنده دریایی قطب جنوب یک رژیم جامع برای نظارت، تحقیق و تصمیم گیری در مورد شیلات در یک اکوسیستم مطابق ماده ۲ تعریف کرده است، اهداف ماده ۲ با تعیین طیف وسیعی از اقدامات حفاظتی که بیش از ۲۰۰ مورد تدوین شده اند، عملیاتی می شوند. صید کریل^۳ در این معاهده دارای سابقه متغیر است و محور رویکرد اکوسیستم کنوانسیون

^۱ .The 1972 Convention for the Conservation of Antarctic Seals (CCAS)

^۲ . The 1980 Convention for the Conservation of Antarctic Marine Living Resources

^۳ . گونه ای از جانداران سخت پوست است که ظاهری همچون میگو دارد. این جاندار در آب های اقیانوس منجمد جنوبی زندگی می کند. کریل جنوبگان به صورت مستقیم از فیتوپلانکتون های ریز تغذیه می کند. طول این جانور به ۶ سانتی متر و وزنش به ۲ گرم می رسد و می تواند تا شش سال عمر کند.

سال ۱۹۹۱ نقطه بازگشت معاهده قطب جنوب در عرصه بین المللی بود. چرا که براساس معاهده قطب جنوب ۱۹۵۹، بعد از ۳۰ سال از اجرایی شدن آن می بایست کنفرانسی جهت بازبینی (طلایی و منصوروی ۱۳۸۵) معاهده تشکیل می شد. بعد از اجرایی شدن توافقنامه در ۲۳ ژوئن ۱۹۷۸، در ۴ اکتبر ۱۹۹۱ پروتکل حفاظت از محیط زیست در مادرید امضا و به معاهده الحاق شد. این توافق در تلاش است با ۵ ضمیمه خاص درباره آلودگی دریایی، گیاهان و جانوران، ارزیابی اثرات زیست محیطی، دفع زباله و مناطق حفاظت شده از محیط زیست حفاظت و از ایجاد آلودگی جلوگیری نماید. (ویکی پدیای فارسی) در واقع می توان چنین گفت که هر ضمیمه یک رژیم حقوقی کوچکی را به وجود آورده است. (Redgwell, 2014) (WELCH, 1992) در سال ۲۰۰۵ ضمیمه ششم درباره مسئولیت ناشی از شرایط اضطراری زیست محیطی پذیرفته شد که تاکنون اجرا نشده است. در این پروتکل هر گونه فعالیت برای دستیابی به منابع معدنی به غیر از اهداف علمی ممنوع می باشد. (ویکی پدیای فارسی) بر اساس این پروتکل، قطب جنوب به عنوان منطقه حفاظت شده طبیعی برای صلح و پیشرفت علم اعلام شد. (طلایی و منصوروی، ۱۳۸۵) مهمترین موضوع بیان شده در پروتکل (ماده ۷) ممنوعیت جستجو و استخراج مواد معدنی در قطب جنوب به مدت ۵۰ سال بود.^۴ تاکید مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص این پروتکل آن است که منع مزبور باید به صورت دائمی باشد و در ضمن باید مکانیزم های نظارتی و اجرایی در زمینه اطمینان از رعایت مقررات پروتکل ۱۹۹۱ مادرید برقرار گردد. همچنین لازم به ذکر است که کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به محیط زیست و توسعه (ریو دوژانیرو - ۲ تا ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲) ارزش قطب جنوب به عنوان یک ناحیه برای پژوهش های علمی به ویژه پژوهش های اساسی را برای شناخت و درک محیط زیست جهان مورد شناسایی قرار داد. (طلایی و منصوروی ۱۳۸۵) در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷ بعد از موافقت ژاپن به عنوان آخرین عضو ATCP (مطابق با مواد اجرایی پروتکل) پس از گذشت ۳۰ روز از امضای آن، به مرحله اجرا درآمد.

اصول اساسی پروتکل را می توان چنین خلاصه نمود:

۱- پروتکل اساساً معاهده قطب جنوب را لغو نمی کند، فقط یک پیوست به قرارداد اصلی اضافه می کند. همانطور که قبلاً مورد توافق قرار گرفته بود منطقه باقی مانده مورد پوشش معاهده در عرض جنوبی مدار ۶۰ درجه جغرافیایی خواهد بود. این منطقه شامل یخچال ها هم می شود. با این حال دریاهای آزاد خارج از شمول توافق نامه قرار گرفته است.

۲- فعالیت های انجام شده مطابق با معاهده قطب جنوب نباید اثرات منفی بر محیط زیست اطراف آن و اکوسیستم منطقه گذاشته و حتی المقدور باید آن اثرات به حداقل برسد. چنین فعالیت هایی باید دارای آثاری از این قبیل داشته باشند:

دلیل پیچیدگی اکوسیستم و اطمینان از اطلاعات طولانی مدت پایدار در مورد صید در دسترس است. ارزیابی های کنونی بر روند بازرسی در پارامترهای صید همراه با مدل ها برای توضیح روند تمرکز دارد. این فرایند در صدد است تا از توسعه رژیم مدیریتی کوچک برای کریل اطلاع دهد و اطمینان حاصل کند که تلاش برای ماهیگیری پراکنده تأثیرات گونه های وابسته یا مرتبط با کریل را به حداقل رساند.

۱-۵- موافقتنامه تنظیم فعالیت های انجام شده برای دستیابی به منابع معدنی قطب جنوب ۱۹۸۸ یا کنوانسیون ولینگتون^۲

بین سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸ این سوال که ((چگونه از معادن غیرقابل پیش بینی و کشف نشده قطب جنوب بهره برداری شود؟)) در قالب مصاحبه از افراد مختلف انجام شد. سلسله اقدامات انجام شده و تحقیقات مختلف در این حوزه، منجر به ایجاد موافقتنامه تنظیم فعالیت های انجام شده برای دستیابی به منابع معدنی قطب جنوب ۱۹۸۸ یا کنوانسیون ولینگتون شد. (MURPHY, 1991) موضوع قطب جنوب در اجلاس چهل و دوم مجمع عمومی (۱۹۸۷ میلادی) هم مطرح شد. از این رو اعضای سازمان ملل نیز خواستار مشارکت کامل همه جامعه بین المللی در مباحث مختلف قطب جنوب از جمله نظام منابع معدنی آن شدند. در اجلاس چهل و سوم مجمع عمومی در سال ۱۹۸۸ میلادی، بحث و مناظره بیشتر متوجه انتقاد از انعقاد کنوانسیون ۱۹۸۸ ولینگتون راجع به منابع معدنی و آثار زیانبار آن بر روی محیط زیست شده بود. در مقابل اعضای مشورتی معاهده قطب جنوب هم به اتحاد و عدم مشارکت خود در رای گیری و پذیرش قطعنامه های مربوط به مسائل قطب جنوب ادامه دادند. (Rothwell, 1990) گرچه قبلاً حقوق بین الملل تدابیر ویژه ای برای حفاظت از محیط زیست اندیشیده بود (مسئولیت در صورت ایجاد آسیب های زیست محیطی همانند نظارت بین المللی) ولی بعدها کافی نبود این تدابیر مطابق با وضعیت زیست محیطی قطب جنوب و حفظ آن آشکار شد. (SANDS, 1994) یک سال بعد از مفتوح شدن این موافقتنامه برای امضا، فرانسه و استرالیا با هدف انتقاد از سازمان های زیست محیطی بین المللی به دلیل دو حادثه بزرگ دریایی اعلام کردند که کنوانسیون ولینگتون را امضا نخواهند کرد. سلسله حوادث پیش آمده، حساسیت ها به این موضوع را بیشتر کرده و زمزمه هایی از لزوم ممنوع شدن این قبیل فعالیت ها (فعالیت های معدنی در دریا) از مطبوعات، رسانه ها، فعالین محیط زیست و برخی سیاستمداران به گوش رسید. در نهایت اجرایی شدن این موافقتنامه منوط به اتفاق نظر تمامی کشورهای تشکیل دهنده معاهده قطب جنوب بود که با تحقیق نیافتن این شرط، این موافقتنامه به سان نوزادی که مرده متولد شده، هیچ گاه مجال تنفس و ابراز وجود پیدا نکرد و اجرا نشد.

۱-۶- پروتکل حفاظت از محیط زیست قطب جنوب (مادرید) ۱۹۹۱ (Pepta)^۳

Protocol on environmental protection to the antarctic treaty (madrid 1991) (PEPAT).

^۴ هنگام امضای کنوانسیون ۲۳ دولت از ۲۷ دولت به عنوان دولت های مستشاری عضو کنوانسیون آن را امضا کردند. سه کشور هند، کره جنوبی و ژاپن امضا نکردند. از جمله کشورهای عضو ناظر که امضا نکردند عبارت اند از: بلغارستان، کوبا، چکسلواکی، دانمارک، گواتمالا، پاپوا گینه نو

^۱ The convention on the regulation of Antarctic Mineral Resource Actives (CRAMRA)

^۲ Wellington convention

^۳ (پروتکل حفاظت از محیط زیست منضم به معاهده قطب جنوب ۱۹۹۱)

گرفته، ماده ۷ بهره برداری از منابع معدنی در قطب جنوب را ممنوع کرده است ولی با این حال این ماده دقیقاً معین نکرده است این ممنوعیت شامل چه مناطقی می شود. گرچه ماده ۴، میزان شمول معاهده را در عرض جنوبی مدار ۶۰ درجه جغرافیایی قلمداد کرده است ولی با این حال نمی تواند شامل دریاهای آزاد شده و آن ها از منظر حقوقی تحت تاثیر قرار دهد. به دلیل وجود امکان کشف، اسخراج و حفاری معادن در قاره، بعید نیست که این موارد آب های مناطق اطراف قاره و مناطق حاشیه ای در عرض جنوبی مدار ۶۰ درجه جغرافیایی را نیز در بر بگیرد. اگرچه ماده ۷ بهره برداری از یخچال های طبیعی را منع نکرده است ولی با این وجود صحیح نیست که ادعا شود هیچ مقرراتی در این زمینه وجود ندارد. (ROTHWELL, 2000) ممکن است اصل کلی زیست محیطی پروتکل در مقابل تغییرات احتمالی مناطق اطراف دریا و یخ های قطبی، به میزان قابل توجهی مانع عملکرد طبیعی یخچال ها شود ولی اگر این عملکرد به اندازه ای چشمگیر نباشد، از نظر معاهده هیچ مانعیتی نمی تواند داشته باشد. ماده ۷ پروتکل مادرید در مورد ارائه و تبادل اطلاعات بین دولت ها، عبارت (وظیفه تشکیل فرآیند ملی ضروری)) را به کار برده است. هدف از این کمیته ارائه اطلاعات به دولت ها در مواقع اضطراری و پیش آمدن حوادث و نیز (ارائه گزارش) ارزیابی زیست محیطی منطقه و تبادل آن با دولت هاست. (POLK, 1998) به نظرمی رسد این اقدام در جهت هماهنگی بین دولت ها می تواند مفید باشد. برای کمک به اجرای پروتکل مادرید، کمیته حفاظت از محیط زیست تشکیل شده است. اولین جلسه این کمیته در سال ۱۹۹۸ تشکیل شد. در این کمیته برنامه کاری مرتبط با حفظ محیط زیست قطب جنوب تدوین شد. هنوز توافقی مبنی بر اینکه سالانه جلسه ای در این رابطه تشکیل شود یا نه، نشده است. پروتکل مادرید دارای یک نقطه ضعف بزرگی بود که باعث شده بود از اعتبار این سند بین المللی به شدت کاسته شود. بنابر بند اول ماده ۲۵ این پروتکل چنانچه به مدت سه سال پروتکل به مرحله اجرا نمی رسد، کشورهای عضو می توانستند از پروتکل خارج شوند. در نهایت پروتکل در سال ۱۹۹۸ به مرحله اجرا درآمد. با اینکه از تاریخ به وجود آمدن پروتکل تا اجرای آن بیش از سه سال می گذشت ولی خوشبختانه هیچ یک از دولت های عضو از این پروتکل خارج نشدند. نقطه حائز اهمیت پروتکل مادرید، اعمال تغییرات در آن به مدت ۵۰ سال بعد از اجرایی شدن آن است ولی در کل به نظر نمی رسد این وضعیت احتمالی باشد. (HERBER, 1992) نظام معاهده ای قطب جنوب بدون اینکه از حمایت و پشتوانه های سازمان های بین المللی برخوردار باشد، از طرف دولت ها تشکیل شده است. این موضوع یکی از مهم ترین ویژگی های این نظام حقوقی می باشد. گرچه نظام معاهده ای قطب جنوب نمی تواند از محدوده قوانین سازمان ملل فراتر رود ولی با این حال فعلاً آن طور که باید، رسماً در چارچوب این سازمان قرار نگرفته است. دولت های عضو معاهده قطب جنوب با سازمان های بین المللی همکاری می کنند و در جلسات این سازمان ها به عنوان عضو ناظر شرکت می نمایند. از جمله این سازمان ها که با

۱. بر محیط های خشکی، یخ های قطبی و یخ های موجود در دریا نباید تاثیری بگذارد.
 ۲. نباید بر گونه های جمعیتی، جانوری و گونه های گیاهی تاثیری سوء بگذارد.
 ۳. تاثیرات محیط زیست بر فعالیت های برنامه ریزی شده باید ارزیابی شده و به صورت گزارش ارائه شود.
 ۴. پیگیری مداوم فعالیت های انجام شده با هدف شناخت امکان ارزیابی اثرات زیست محیطی یکپارچه و ویژگی های مهم این پروتکل و ضمیمه های (پیوست) منضم به این پروتکل است (به تعداد ۴ پروتکل) (ماده ۹) (ROTHWELL, 1990) پروتکل ۱۹۹۱ از سال ۱۹۸۰ یکی از مهم ترین ضمایم مربوط به معاهده قطب جنوب بوده است. از ژانویه ۱۹۹۸ وقتی که موافقتنامه به اجرا گذاشته شد، رژیم حفاظتی زیست محیطی به وجود آمد. (ROTHWELL, 2000) این رژیم حفاظتی از سال ۱۹۶۴ با اتخاذ تدابیر احتیاطی و رویه های جاری، توصیه های مشورتی سازمان ها و دولت های مختلف ارائه شده بود. ماده دوم پروتکل بر کاربرد صلح آمیز و علمی (تحقیقات علمی) قطب جنوب تاکید می کند. به نظر می رسد این جمله نمی تواند ارزش حقوقی داشته باشد. چراکه طرف های موافقتنامه با بیانی سیاسی ترجیح داده اند نوعی پرستیژ سیاسی از خود نشان دهند. از این منظر این بدین معناست که قطب جنوب از هر نوع دخالت انسانی (در محیط زیست و حاکمیت بر آن) منع شده است که البته نمی تواند صحیح باشد. ماده سوم پروتکل مادرید بر حفظ اکوسیستم قطب جنوب و حفاظت از ارزش های ذاتی منابع موجود در آن در صورت ساخت و ساز و برنامه ریزی جهت بهره برداری از آن تاکید کرده است. در واقع ماده ۳ زمینه ای را فراهم ساخته است که وقتی از منابع قطب جنوب بهره برداری می شود، نه ممنوعیت بلکه برنامه ریزی برای به حداقل رساندن زیان های زیست محیطی از طریق انجام داد فعالیت های برنامه ریزی شده را مورد تاکید قرار داده است. در واقع بند اول ماده ۳، محیط زیست، اکوسیستم، حیات وحش و زیبایی قطب جنوب را مدنظر قرارداده و بر حفاظت ویژه از آن ها تاکید کرده است. بند دوم همان ماده نیز از برخی اصول اولیه محیط زیست سخن به میان آورده است. اولین اصول مورد بحث بند دوم اصل احتیاط^۱ می باشد. دومین اصل نیز، اصل ارزیابی اثرات زیست محیطی^۲ می باشد. جدای از تحقیقات علمی صورت

1. Precautionary Approach

اصل احتیاطی یا رویکرد احتیاطی به مدیریت ریسک بیان می کند که در غیاب این اجماع علمی که اقدام یا سیاستی مضر نیست، اگر آن اقدام یا سیاست مشکوک به ریسک ضرر زدن به عموم یا به محیط زیست باشد، بار قانونی اثبات این که این کار مضر نیست بر دوش کسی است که انجامش می دهد. (ویکی پدیای فارسی)

2. Environmental impact assessment

هدف از این ارزیابی، مطمئن ساختن تفکر تصمیم گیرندگان جهت فکر کردن به اثرات زیست محیطی در زمان تصمیم گیری، یا در زمان پیشرفت پروژه می باشد. انجمن بین المللی ارزیابی اثرات، ارزیابی اثرات زیست محیطی را این گونه تعریف می کند: فرایند تشخیص، پیش بینی، ارزیابی و کاهش اثرات بیوفیزیکی، اجتماعی و دیگر اثرات مربوط به تصمیمات گرفته شده و تعهدات ایجاد شده می باشد.

دولت های عضو معاهده قطب جنوب در ارتباط با قطب جنوب همکاری می کنند عبارت اند از:

کمیته بین المللی اقیانوس شناسی، سازمان بین المللی هوانوردی غیر نظامی (ایکائو)، سازمان آب نگاری بین المللی، سازمان بین المللی دریانوردی و سازمان هواشناسی بین المللی. (ROTHWELL, 1999)

نظام معاهده ای قطب جنوب در درون سیستم خود تشکیلاتی را برای رفع نیازهای خود ایجاد کرده است. مثلاً همراه با موافقت نامه حفاظت از منابع جاندار دریایی قطب جنوب، کمیته ای با نام ((کمیته ناظر بر صید ماهی در اقیانوس منجمد جنوبی)) تشکیل شده است. همچنین بعد از اجرایی شدن پروتکل حفاظت از محیط زیست از ژانویه ۱۹۹۸، کمیته با نام کمیته حفاظت از محیط زیست تشکیل شد. با در نظر گرفتن نظام معاهده ای قطب جنوب و دولت های عضو آن، وقتی به دوره ۵۶ ساله (۱۹۶۱-۲۰۱۸) این نظام حقوقی بین المللی نگاه می کنیم موفقیت آن دولت ها در ایجاد مکانیسم اداری موفق، انعطاف پذیر و رو به توسعه در موضوعات مرتبط با قطب جنوب (با در نظر گرفتن نواقص و کاستی های فراوان) هستیم. به خصوص در باب ممنوعیت به کار بردن اهداف نظامی و استفاده صلح آمیز از قطب جنوب شاهد توافق دولت ها در مورد این موضع هستیم. همچنین موفقیت نظام معاهده ای قطب جنوب در حمایت و پشتیبانی از تحقیقات علمی و حفظ اکوسیستم منطقه انکارناپذیر است. در واقع نظام معاهده ای قطب جنوب را باید نظامی دانست که بر پایه اجماع^۱ کلی اعضای آن پایه گذاری شده است و با تکیه بر این موضوع در تلاش است وضعیت فعلی (De facto) خود را حفظ کند. به دلیل همین ویژگی بعد از سال ۲۰۰۰ این نظام حقوقی ناچاراً تن به تغییرات عمده ای داد. باید اذعان نمود که در موضوعات حفاظت از محیط زیست و توسعه تحقیقات علمی این نظام حقوقی کارکرد بسیار مفیدی داشت.

۱-۷- مفاد قطعنامه های بین المللی مرتبط با قطب جنوب

در کل با بررسی مفاد تمامی این قطعنامه ها، می توان به نکات اساسی در زمینه قطب جنوب دست یافت. این نکات اساسی - که برخی از آنها به طور ویژه به مفهوم میراث مشترک بشریت و کاربرد آن نسبت به قطب جنوب مربوط است عبارتند از:

۱- قطب جنوب باید همواره به نفع بشر و منحصرأً برای اهداف صلح آمیز مورد استفاده قرار گیرد. در واقع این منطقه منطقه ای غیرنظامی است.

۲- اهداف و اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد باید در قطب جنوب به اجرا درآید.

۳- قطب جنوب برای صلح و امنیت بین المللی، اقتصاد، محیط زیست، شرایط اقلیمی، پژوهش های علمی و هواشناسی اهمیت دارد.

۴- اداره و بهره برداری از منابع این منطقه باید به صورت جمعی و با مشارکت جامعه جهانی و نیز باید با اهداف منشور سازمان ملل منطبق بوده و برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و ترویج همکاری بین المللی به سود بشریت تمام شود.

۵- حفاظت جامع از محیط زیست قطب جنوب و اکوسیستم های وابسته به آن باید از طریق مذاکره و مشارکت همه اعضای جامعه بین المللی و به نفع همه بشریت باشد. همچنین در این رستا و برای

جلوگیری از تخریب محیط زیست این منطقه باید از تعداد ایستگاه های علمی و ماموریت های علمی - اکتشافی در قطب جنوب به دلیل تاثیر فعالیت های انسانی بر محیط زیست قطب جنوب و اکوسیستم های وابسته به آن کاسته شود.

۶- قطب جنوب باید به عنوان منطقه طبیعی تحت حفاظت و یا به عنوان پارک جهانی شناسایی شود. از این رو با مشارکت کامل همه اعضای جامعه بین المللی، برای حمایت و حفاظت از محیط زیست قطب جنوب و اکوسیستم های وابسته به آن برای نفع همه بشریت اطمینان حاصل می شود.

۷- دولت های مشورتی عضو معاهده قطب جنوب باید به موجب فصل ۱۷ دستور اقدام ۲۱ - که از سوی کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به محیط زیست و توسعه پذیرفته شد - و طبق ماده ۳ معاهده قطب جنوب اطمینان حاصل کنند که :

الف: داده ها و اطلاعات به دست آمده از فعالیت های پژوهشی - علمی انجام شده در قطب جنوب آزادانه در دسترس جامعه بین المللی خواهد بود.

ب: از طریق اقداماتی همچون تشکیل سمینارها و سمپوزیومهای دوره ای، دسترسی جامعه علمی بین المللی و موسسات تخصصی سازمان ملل متحد را به چنین داده ها و اطلاعاتی تسهیل کنند. (طلایی و منصور، ۱۳۸۵)

۲- نواقص نظام معاهده ای قطب جنوب

نظام حقوقی قطب جنوب را نمی توان به عنوان نظامی بی نقص و دموکراتیک دانست. در باب تجدیدنظر اساسی در نظام معاهده ای قطب جنوب انتقاداتی از طرف دولت ها و سازمان های بین المللی صورت گرفت. قطب جنوب باید منطقه ای متعلق به جامعه جهانی بوده و دولت ها باید به نام بشریت در این باب اقداماتی را انجام دهند. به عقیده او دولت ها علی الخصوص دولت های اسلامی و آفریقایی باید تلاش کنند قطب جنوب رسماً به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته شود. (The Antarctica Question in the United Nations, 1986) بر این اساس قطب جنوب غیرقابل تصاحب و تملک است. بنابراین دعاوی سرزمینی دولتها مردود بوده و اکتشاف و بهره برداری از منابع آن باید برای نفع بشریت صورت گیرد. همچنین منافع حاصل از آن نیز به صورت عادلانه میان کشورهای جهان باید تقسیم شود. چنین نظامی اکنون در خصوص اعماق دریاها (بستر و زیربستر دریاها آزاد) وجود دارد.^۲ (طلایی و منصور، ۱۳۸۵)

مهمترین انتقادات در مورد قطب جنوب می تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. ادعای حاکمیت بر قطب جنوب و تداوم آن

در منطقه عاری از هر گونه خشونت و درگیری نظامی یعنی قطب جنوب، ادعای حاکمیت معضلی است که گریبان گیر جامعه بین الملل شده است. (BAŞLAR, 1997) هر چه اسناد مهمی همچون معاهده قطب جنوب، موافقت نامه حفاظت از خوک های آبی قطب جنوب، موافقت نامه حفاظت از منابع دریایی زنده قطب جنوب، اقدامات مورد توافق برای حفاظت از گیاهان و جانوران قطب جنوب و پروتکل حفاظت از محیط زیست (مادرید) در تلاش برای رد ادعای حاکمیت بر

^۲ . برای نمونه به مواد ۱۴۰ و ۱۶۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مراجعه کنید

^۱ Consensus

اعضای دارای حق تصمیم (کشورهای مشاور) نام دارند که علاوه بر ۱۲ کشور اصلی امضا کننده معاهده، ۱۷ کشور دیگر نیز هستند که تمایل خود را برای شرکت در جلسات با انجام فعالیت های علمی قابل توجه، نشان داده اند. (www.ats.aq) از سال ۱۹۹۱ با پیوستن پنج کشور دیگر به آن، به تدریج مکانیسم تصمیم گیری به سوی جهانی شدن و دموکراتیک شدن پیش رفت. بدین ترتیب رژیم حقوقی دموکراتیک بر این معاهده چیره گشت. (BECK, P.J., 2013) در چارچوب چنین سیستمی، نظام معاهده ای قطب جنوب را به دو قسمت تقسیم کردند:

۱- کشورهای مستشاری که دارای حق رأی بوده و تا سال ۱۹۸۳ هر دو سال یکبار و از سال ۱۹۸۳ به بعد سالانه یکبار تشکیل جلسه می دادند.

۲- کشورهای عضو ناظر که حق رأی نداشتند. این کشورها فعالیت چندان جدی در زمینه قطب جنوب نداشتند و فقط با تصویب معاهده قطب جنوب دارای وضعیت حقوقی در معاهده شدند این کشورها عبارت اند از: اتریش، کانادا، کلمبیا، کوبا، جمهوری چک، کره، دانمارک، یونان، گوآتمالا، مجارستان، پاپوا گینه نو، رومانی، اسلواکی، سوئیس، ترکیه و ونزوئلا. هرچه دولت ها برای تبدیل شدن به عنوان دولت های مستشاری با ایجاد مراکز تحقیقاتی علمی و یا تنظیم سفرهای علمی و هر گونه فعالیت های علمی مرتبط با قطب جنوب تلاش کنند، از اواسط سال ۱۹۸۰ این جایگاه ت اولویت اول به کشورهای پر جمعیت داده شد. (STOKKE, 1992) در حقوق بین الملل قراردادهای بین المللی تنها توسط کشورهایی که قصد عضویت دارند امضا می شوند. بنابراین، برای اینکه کشوری که در روند تصمیم گیری قرار بگیرد باید عضو آن معاهده و یا قرارداد بشود. در مورد معاهده قطب جنوب هم این موضوع صادق است. برای مثال در چارچوب نظام معاهده ای قطب جنوب کشوری که عضو موافقت نامه حفاظت از منابع دریایی زنده قطب جنوب نباشند، نمی توان آن ها را از صید جانداران دریایی منع کرد (حداقل تعهدی حقوقی مبنی بر عدم انجام این کار را ندارند) و یا فقط کشورهایی را می توان از استخراج حفر و بهره برداری از معادن زیرزمینی منع کرد که عضو پروتکل حفاظت از محیط زیست قطب جنوب (مادرید ۱۹۹۱) باشند.

۳. معاهده ای خارج از شمول سازمان ملل

پروتکل مادرید در زمینه حل معضلات حاکمیت بر قطب جنوب، هیچ دستاورد چشمگیری نداشته است. اگر امروز میدان نفتی بزرگی در قطب جنوب کشف شود، پروتکل توان اینکه بتواند در این زمینه حداقل تعادلی بین کشورها در بهره برداری از این میدان ایجاد کند، نخواهد داشت. اگر جایگزینی برای منابع معدنی پیدا نشود بدون شک نفت قطب جنوب در آینده مهم ترین مشکل بین المللی خواهد بود. (البته اگر در صحنه بین المللی تبدیل به درگیری نظامی نشود) در طول سالیان متمادی ثابت شده است که اکوسیستم موضوعی کلی است و همه عوامل در کلی بودن آن دخیل می باشند. کلی بودن به این معنا باید همه عوامل دست به دست هم بدهند تا اکوسیستم منطقه ای را بتوان حفاظت نمود. بدین دلیل برای حفظ محیط زیست قطب جنوب باید نظام معاهده ای قطب جنوب را همراه با سایر معاهدات زیست محیطی و با همکاری سازمان های بین المللی مربوطه به صورت کلی در نظر گرفت. برای مثال برای حفظ لایه اوزون در فضای ماورای

قطب جنوب باشند، نزدیکی جغرافیایی و منافع استراتژیکی هفت دولت (آرژانتین، استرالیا، شیلی، فرانسه، نیوزلند، نروژ و بریتانیا) در قطب جنوب و تمایلات حاکمیتی آن ها بر این قاره غیر قابل انکار است. (CONFORTI, 1986) امروز رژیم حقوقی بین المللی درباره منابع جاندار موجود در مناطق و یخچال های قطب جنوب یعنی res nullius (عدم تعلق چیزی به کسی یا بدون صاحب)، res communis (تعلق چیزی به همه (اشتراکی)) و (سرزمین متعلق به همه ملت ها) هنوز به نتیجه ای نرسیده است. (CHOPRA, 1988) (VERHOEVEN, J., SANDS,) (JORGENSEN, 1991) (P., & BRUCE, M, 1992) (Lefebber, 1990) (Netherlands Yearbook of International Law) مادامی که معضل حاکمیت بر قطب جنوب حل نشود، نمی توان از این منطقه بهره برداری صحیح نمود. البته تا بدین روز هیچ یک از کشورهای مدعی حاکمیت بر قطب جنوب، به طور انحصاری آن منطقه را تنها متعلق به خود (به عنوان بخشی از سرزمینشان) ندانسته اند. می توان گفت از منظر عرف حقوق بین الملل می توانند چنین حقی را ادعا نمایند. (JOSEPH, 1998) در مقابل به اعتقاد کشورهای در حال توسعه، قطب جنوب باید برای نفع همه ملل و تحت کنترل و نظارت یک نهاد بین المللی قرار گیرد. آنها با استناد به تغییر اوضاع و احوال^۱ و لزوم تطبیق قواعد کهن و استعماری با واقعیات فعلی، تغییر ماهیت رژیم معاهده ای قطب جنوب را لازم می دانند. دولت های مزبور شیوه تصاحب و تملک سرزمین از طریق تصرف مؤثر را شیوه ای بازمانده از دوران استعماری دانسته و پیشنهاد می کنند این شیوه نباید در خصوص سرزمین های تصرف و تصاحب نشده جهان اعمال شود. بر همین اساس سری لانکا و مالزی در اواخر دهه ۱۹۷۰ این نظریه را مطرح کردند که منابع قطب جنوب باید برای نفع جامعه جهانی و با توجه به نیاز کشورهای در حال توسعه بهره برداری شود. از این رو برای تحقق این امر لازم است که قطب جنوب تحت نظارت و کنترل سازمان ملل متحد قرار بگیرد. (Blay, 1989)

۲. مکانیسم تصمیم گیری غیر دموکراتیک درباره مسائل مختلف قطب جنوب

از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱ یعنی تا تصویب پروتکل مادرید را هم می توان دوره ای نام برد که به صورت گروهی^۲ (گروه خاص) در مورد آن تصمیم می گرفتند. دلیل آن افزایش تدریجی کشور های مستشاری به عنوان عضو معاهده بود. در دوره ۹ ساله، کشورهای مستشاری با به دست آوردن وضعیت حقوقی، عضو معاهده قطب جنوب شدند از جمله: برزیل (۱۹۸۷)، آلمان شرقی (۱۹۸۷)، سوئد (۱۹۸۸)، هند (۱۹۸۳) چین (۱۹۸۵)، اروگوئه (۱۹۸۵) ایتالیا (۱۹۸۷) و اسپانیا (۱۹۸۸). بدین صورت با پیوستن ۲۲ کشور مکانیسم تصمیم گیری نظام معاهده ای قطب جنوب به صورت گروهی (گروه کوچکی از کشور های دنیا) درآمد. (SAHUIRE, 1992) لازم به توضیح می باشد که مجمع سالانه شورای مشورتی قطب جنوب، انجمنی بین المللی برای پذیرش و مدیریت قطب جنوب می باشد. تنها ۲۹ کشور از ۵۳ کشور حق تصمیم گیری در این مجمع را دارند و ۲۴ کشور می توانند در آن شرکت کنند.

۱. Change of circumstances

۲. Oligarchy

• آگاهی رساندن به عموم مردم درباره سیستم معاهده و فعالیت های انجام شده در قطب جنوب (ویکی پدیای فارسی)
۴- پارک جهانی؛ به عنوان نظام اداری جایگزین برای قطب جنوب

اصطلاح پارک جهانی از طرف سازمان های غیردولتی مثل **برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد**، صندوق جهانی طبیعت^۵ و سازمان مردم نهاد صلح سبز^۶ ارائه شده است. اندیشه پارک جهانی به ۳۰ دسامبر سال ۱۹۲۴ برمی گردد. (BERGUNO, J., 2009) اما این اصطلاح از سال ۱۹۷۲ در دومین کنفرانس جهانی پارک های ملی، برای قطب جنوب به کار برده شد. (IUCN, 1989) و (Rothwell, 2000) اولین کشوری که به صورت رسمی از این اصطلاح حمایت کرد، نیوزلند بود. (FOREMAN, 1992) بر اساس پیشنهاد پارک جهانی که بر اصول زیست محیطی و حفاظت از اکوسیستم قطب جنوب استوار است، فعالیت های حفاری در قطب جنوب باید منع شود. این امر از سوی گروه های طرفدار محیط زیست مطرح شده و مورد حمایت نیز قرار گرفته است. همچنین پیشنهاد هایی از جمله برقراری رژیم سرزمینی^۷ (تقسیم قطب جنوب)، نظام کنسرسیوم^۸، حاکمیت مشترک^۹، برقراری حاکمیت معتدل در قطب جنوب^{۱۰} و برقراری صلاحیت مشترک بر منابع قطب جنوب^{۱۱} شده است. (Petersen, 1990) گرچه هدف ارائه کنندگان این نظریات رفع نقایص نظام معاهده ای قطب جنوب و توجه به علایق و خواست جامعه جهانی بوده است اما هر کدام از آنها به نوعی تأیید کننده نظام حقوقی فعلی بوده و در راستای منافع دولتهای مدعی نسبت به قطب جنوب تبیین شده است. (طلایی و منصوری، ۱۳۸۵) مهمترین اقدام صورت گرفته در رابطه با پارک جهانی مربوط به سازمان صلح سبز می باشد. در سال ۱۹۹۰ این سازمان غیردولتی در قطب جنوب سرمایه گذاری نمود. (SPECTAR, 1999) از مهم ترین پیشنهاداتی که این سازمان ارائه داد، تشکیل کمیسیون پارک جهانی قطب جنوب و آژانس حفاظتی زیست محیطی قطب جنوب می باشد. بر اساس اندیشه های پارک جهانی، خارج از اهداف علمی باید هر گونه حفاری معدن در قطب جنوب منع شود. حتی صید جانداران دریایی، قرار دادن این منطقه به عنوان یکی از مقاصد گردشگری و بهره برداری از یخچال های طبیعی با مقاصد تجاری هم جزء فعالیت های غیرمجاز از در چهارچوب اندیشه پارک جهانی می باشد. به طور خلاصه، اگر واقعا اندیشه پارک جهانی در صحنه بین المللی اعمال شود، محیط زیست و اکوسیستم برای نسل های آینده دست نخورده و بکر باقی خواهند ماند. با بررسی نظام معاهده ای قطب جنوب و اندیشه پارک جهانی به این نتیجه خواهیم رسید که پروتکل ۱۹۹۱ مادرید که بهره برداری از قطب جنوب را فقط برای اهداف علمی و صلح جویانه مجاز می داند با

قطب جنوب باید معاهده قطب جنوب را همراه با **کنوانسیون وین در مورد حفاظت از لایه اوزون ۱۹۸۷** با همکاری سازمان های بین المللی مربوطه اجرا کنیم. به همین دلیل دولت های طرف معاهده قطب جنوب برای اجرای مؤثر سایر قراردادهای مربوطه باید با سازمان ها و نهادهای بین المللی همکاری نزدیکی داشته باشند. یکی از مهمترین این نهاد ها **برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد**^۱ می باشد. از سال ۱۹۹۴ که **برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد** به عنوان ناظر در جلسه کشورهای عضو معاهده قطب جنوب پذیرفته شد، همواره به این کشور ها با ارائه اطلاعات فنی و حمایت و پشتیبانی از این معاهده در پیشبرد اهداف آن کمک شایانی کرده است. (ROTHWELL, 1999) لازم به ذکر است که در سال های اخیر دولتهای عضو مشورتی معاهده قطب جنوب همکاری مطلوب تری را با دبیر کل سازمان ملل متحد داشته و به طور منظم اطلاعات راجع به اجلاس ها و فعالیت های دولتهای عضو مشورتی معاهده قطب جنوب را در اختیار وی گذارده اند. قطب جنوب خارج از نظام معاهده ای خود در سایر قراردادهای و معاهدات بین المللی غیر مرتبط با موضوع قطب جنوب نیز مطرح شده است. برای مثال می توان کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های در معرض خطر^۲ را نام برد که موضوع آن منع تجارت گونه های گیاهی و جانوری در حال انقراض می باشد. این معاهده هم در زمینه گونه های جانوری قطب جنوب اطلاعاتی داده است. به عنوان مثال دیگر می توان از کنوانسیون بازل در زمینه کنترل انتقالات ترامرزی مواد زاید زیان بخش و دفع آنها^۳ یاد کرد. مطابق بند ششم ماده ۴ این کنوانسیون، دولت های طرف این معاهده متعهد شده اند از انتقال پسماندهای مضر به آب های قطب جنوب جلوگیری کنند. یکی از انتقادهای عمده ای که امروز بر نظام فعلی قطب جنوب وارد است، عدم مداخله و مشارکت یک مرجع صلاحیتدار بین المللی و مشارکت جهانی در انعقاد مجموعه معاهدات حاکم بر این قاره می باشد. این معاهدات صرفاً به وسیله تعدادی از دول ذینفع و مدعی حاکمیت سرزمینی در قطب جنوب طی اجلاسها و مذاکرات خصوصی تدوین شده و نظام حقوقی قاره قطب جنوب را با لحاظ کردن منافع و حقوق ویژه برای خود و بدون توجه کافی به مناقع جامعه بین المللی شکل داده اند. (طلایی و منصوری، ۱۳۸۵)

۳- دبیرخانه نظام معاهده ای قطب جنوب

با تصویب مجمع شورای معاهده قطب جنوب، دبیرخانه معاهده از سپتامبر سال ۲۰۰۴ در بوئنوس آیرس آرژانتین قرار دارد. فعالیت های دبیرخانه شامل موارد زیر است:

- پشتیبانی از جلسات شورای معاهده و جلسات کمیته حفاظت از محیط زیست
- ایجاد تبادل اطلاعات بین اعضا بر اساس مفاد معاهده
- جمع آوری، ذخیره سازی، مرتب سازی و انتشار اسناد مجمع شورا

4. World Park

5. World Wide Fund for Nature(WWF)

6. Green Space

7. Division (Territorial Regime)

8. Consortium

9. Condominium

10. Modified Sovereignty

11. Joint jurisdiction over Antarctic resources

1. United Nations Environment Programme (UNEP)

2. Convention on international trade in Endangered Species

3. BASEL CONVENTION ON THE CONTROL OF TRANSBOUNDARY MOVEMENTS OF HAZARDOUS WASTES AND THEIR DISPOSAL BASEL 1989

از سوی برخی دولتهای خاص نیست بلکه متعلق به همه بشریت است که باید تحت مدیریت بین المللی قرار بگیرد؛ در نتیجه منافع حاصل نیز به نحو عادلانه بین اعضای جامعه بین المللی تقسیم شود. (طلایی و منصور، ۱۳۸۵) در کمیته اول مجمع عمومی سازمان ملل در مورد قضیه قطب جنوب در سپتامبر ۱۹۸۳ برخی از دولتها قطب جنوب را آخرین قلمرو دست نخورده بشریت قلمداد نموده و قابلیت اجرای اصل میراث مشترک بشریت را همانند نواحی فضای ماورای جو و بستر و زیربستر دریاها در آن منطقه قابل اعمال دانستند. در مقابل تعدادی از دولتها که عمده ترین آنها اعضای مشورتی معاهده ۱۹۵۹ قطب جنوب بودند، کاربرد اصل مزبور را در مورد قطب جنوب به دلیل کارآمد بودن رژیم معاهده ای قطب جنوب و عدم خلأ حقوقی در این زمینه نامربوط می دانستند. به نظر آنها قطب جنوب نه متعلق به همه است و نه متعلق به هیچ کس. به همین دلیل کاربرد اصل میراث مشترک بشریت قابل پذیرش نیست. (ملک محمدی نوری، ۱۳۷۰)

۶- جلوگیری از فجایع و زیان های زیست محیطی در قطب جنوب

می توان گفت یکی از مهمترین خطرات برای محیط زیست قطب جنوب افزایش گردشگران می باشد. حتی باید باید معاهده یا موافقت نامه ای برای کنترل تردد کشتی ها در منطقه به وجود آید تا از حوادث نفتی در منطقه جلوگیری شود. برای مثال کشتی Bahía Paraiso متعلق به آرژانتین بعد از اینکه در منطقه Arthur Harbor به صخره یخی برخورد کرد، ۶۰۰ هزار لیتر از فرآورده های نفتی روانه آب های قطب جنوب شد. در نقطه مقابل این اظهارات، جایگزینی برای حل این معضلات پیشنهاد کردند که با عنوان ((Condominium)) شناخته می شود. (این اصطلاح به معنای حقوق مشترک دولت های طرف معاهده می باشد) با توجه به چنین سیستمی اتخاذ تصمیم گیری در مورد قطب جنوب به صورت مشترک و همگانی با کشورهای طرف معاهده خواهد بود. (JOSEPH, dn, 5,385)

۷- نظارت بر اعمال دولت ها در قطب جنوب

مطابق ماده ۷ معاهده قطب جنوب ناظران و پژوهشگران کشورهای عضو دسترسی آزادی به هر منطقه برای نظارت (از جمله نظارت هوایی) را دارا هستند و می توانند از تمامی ایستگاه ها، تاسیسات و تجهیزات بازدید کنند و نسبت به فعالیت های انجام شده هشدار دهند. نقطه جالب توجه در این ماده اجازه ورود پرسنل نظامی با اطلاع و معرفی ناظران برای نظارت می باشد. موضوعی که در ماده ۱ این معاهده بدین صورت بدان تصریح شده است: ((استفاده از پرسنل و تجهیزات نظامی برای تحقیقات علمی با هر هدف صلح آمیز دیگری ممکن است.))

۸- حل و فصل اختلافات در معاهده قطب جنوب

طبق ماده ۱۱ معاهده قطب جنوب اختلافات باید به صورت مسالمت آمیز بین طرف های معاهده حل و فصل شوند و اگر اختلافات به این صورت قابل حل و فصل نباشد باید به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع گردد.

همچنین مطابق ماده ۱۹ پروتکل ۱۹۹۱ مادرید حل و فصل اختلافات از طریق دیوان بین المللی دادگستری و یا دیوان داوری که طبق

اندیشه امروزی پارک جهانی چندان تفاوتی ندارد. حتی پاره ای نویسندگان و حقوقدانان نیز تفاوتی در پروتکل ۱۹۹۱ مادرید با اندیشه پارک جهانی نمی بینند. (JOYNER, 1992) و (ROTHWELL, 1992) مطابق نظام معاهده ای قطب جنوب می توانیم به صورت رسمی این منطقه را به عنوان پارک جهانی اعلام کنیم بدون اینکه تغییرات عمده ای در معاهده قطب جنوب اعمال کنیم. برای انجام چنین کاری با نظارت سازمان ملل کافی می باشد. گرچه پارک جهانی با استقبال طرفداران محیط زیست مواجه شد و واقعیت امر این است پارک جهانی هم همانند معاهده قطب جنوب و پروتکل مادرید با نواقصی همراه است. برای مثال برخی دولت ها و سازمان های بین المللی درصدد پایه گذاری پارک جهانی بر اساس نظام معاهده ای قطب جنوب هستند در حالی که چنین تغییرات و برنامه هایی که با محیط منطقه ای همانند قطب جنوب سروکار دارد، باید تحت کنترل سازمان ملل متحد باشد. (JESSUP, 1958)

۵- قطب جنوب به عنوان میراث مشترک بشریت

قاعده میراث مشترک بشریت از مفاهیم جدید حقوق بین الملل است. ریشه های اولیه این قاعده در مفهوم پیشنهاد شده از سوی آروید پاردو^۱ وزیر امور خارجه مالت در سال ۱۹۶۷ به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص بستر و زیر بستر دریاها آزاد و نیز در معاهداتی همچون معاهده ۱۹۶۷ راجع به فضای ماورای جو یافت می شود. این قاعده با انعکاس در قطعنامه ۲۷۴۹ مجمع عمومی م ورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۰ تحت عنوان اعلامیه راجع به اصول حاکم بر بستر و زیر بستر دریاها در ماورای محدوده های صلاحیت ملی^۲ (موسوم به اعلامیه اصولی که در بند ۱ آن منطقه اعماق دریاها و اقیانوسها و نیز منابع موجود در این مناطق به عنوان میراث مشترک بشریت به رسمیت شناخته شده است) و نیز پذیرش آن در رویه دولت ها (به ویژه در خصوص نواحی ویژه ای از کره زمین و فضای ماورای جو) ارزش ویژه ای پیدا کرد. از این رو با الزامی شدن رعایت آن، این قاعده از نظر حقوقی به قاعده حقوق بین الملل عرفی^۳ تبدیل شد. (طلایی، ۱۳۸۱)

زمانی که مسئله قطب جنوب در کمیته اول مجمع عمومی - که وظیفه بررسی پیش نویس قطعنامه های مختلف را بر عهده دارد - بحث و بررسی شد، نتایج آن به پیش نویس قطعنامه ۴۰/۱۵۶ انجامید که در اجلاس چهلم مجمع عمومی مورد پذیرش قرار گرفت. (Warren Kindt John, 1988) نقطه قابل توجه در این قطعنامه، اشاره مستقیم آن به عناصر اساسی میراث مشترک بشریت است. این عناصر ((عدم تملک و تخصیص منابع))، مدیریت بین المللی)) و ((تسهیم عادلانه منافع حاصل از بهره برداری منابع معدنی)) را شامل می شود. در واقع قطعنامه فوق منعکس کننده دیدگاه اکثریت اعضای جامعه بین المللی، یعنی برقراری نظامی جهانشمول مبتنی بر اصل میراث مشترک بشریت بر قطب جنوب و منابع آن است. این قطعنامه صراحتاً اعلام می دارد که قطب جنوب و منابع آن قابل تملک

¹ Arvid Pardo

² Declaration of principle Governing the sea - bed and the ocean floor and the subsoil thereof, Beyond the limits of national jurisdiction, United nation General Assembly (UNGA) Resolution, 2749 (XXV)

³ A Rule of customary international law

پروتکل ایجاد می شود، انجام خواهد شد. (والاس، ترجمه زمانی، ۱۳۹۴)

نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی نظام معاهده ای قطب جنوب با توجه به محیط زیست آن منطقه و مسائل حاکمیتی آن در چارچوب حقوق بین الملل پرداخته شد. قطب جنوب یکی از منطقی است که تا بدین حال نظام حقوقی بین المللی آن به طور کامل اجرا نشده است. دلیل آن دولت های مدعی حاکمیت بر بخشی از آن منطقه به خاطر در خطر افتادن منافع آن ها می باشد. جامعه جهانی در دهه های متعددی در خصوص ادعای این دولت ها نسبت به قطب جنوب واکنش نشان داده و نظام حقوقی موجود بر آن را برای تامین منافع جامعه بین المللی عادلانه و منصفانه نمی داند. (طلایی و منصوری، ۱۳۸۵) با توجه به تغییرات آب و هوایی و تغییرات محیطی، نشان می دهد که قوانین بین المللی محیط زیست یا قوانین بین المللی دریایی برای قطب جنوب از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به عنوان مثال، تعداد فزاینده گردشگران، تغییرات آب و هوایی و سایر مسائل در منطقه دارای پیامدهای جدی برای حفاظت از محیط زیست و حفظ مناطق غیرقابل سکونت است. علاوه بر این، با توجه به رشد حجم حمل و نقل و افزایش سطح دسترسی به آب های منجمد و مناطق قطبی به دلیل ذوب یخ ها، چالش های جدیدی را در رابطه با آلودگی ایجاد کرده و تأثیر منفی بر حیات وحش (به عنوان مثال آلودگی صوتی) و به طور کلی تنوع زیستی در منطقه دارد. (رائی، ۱۳۹۸) در قطب جنوب، مسئله حاکمیت "ایستا و بدون ترقی" بوده است؛ بنابراین در آن قاره هیچ حاکمیت ارضی وجود ندارد. با توجه به ادعاهای حاکمیتی که توسط معاهده منع شده است، در قطب جنوب دولت ساحلی وجود ندارد که بتواند حاکمیت دریایی و حاکمیت خود را در سرتاسر اقیانوس منجمد جنوبی ایجاد کند، به این معنی که اقیانوس منجمد جنوبی می تواند به عنوان یک منطقه دریایی آزاد مطابق حقوق دریاهای در نظر گرفته شود. (رائی، ۱۳۹۸) از آنجایی که در قطب جنوب هیچ حاکمیت منطقه ای وجود ندارد، نهادهای بین المللی از لحاظ تاریخی، هر دو اقدامات حفاظت از محیط زیست را به اجرا گذاشته و نظارت می کنند. این امر همچنین به نظام معاهده ای قطب جنوب (ATS) منجر شده و قوانین مربوط به حفاظت از محیط زیست خود را توسط حقوق بین الملل محیط زیست و بالاخص MEA¹ (توافق نامه چند جانبه محیط زیست) اجرا می کند. ادعای حاکمیت کشورها بر قطب جنوب باید متوقف و نظامی جهانشمول با تأکید بر بهره برداری صلح آمیز از این منطقه بر آن حاکم گردد. با توجه به خصوصیات ویژه قطب جنوب و وضعیت ناپایدار حاکمیتی آن، تنها مرجع صلاحیتدار برای تعیین دقیق نظام حقوقی قطب جنوب و تصمیم گیری نهایی در مورد آن سازمان ملل می باشد. همچنین این موضوع بر محیط زیست این منطقه نیز تأثیرات بسیاری دارد. با اینکه قطعنامه های سازمان ملل اصل میراث مشترک بشریت را صریحاً در مورد قطب جنوب به کار نبرده اند ولی با این حال عناصر اصلی این اصل را می توان در بیشتر اسناد بین المللی دید. یکی از راه های عملی نمودن اصل میراث مشترک بشریت در

قطب جنوب، حفظ و توجه به برخی منافع دولت های مدعی می باشد. باید چنین نتیجه گرفت که حل مسائل قطب جنوب باید با مشارکت همه دولت ها در قالب سازمان ملل و با همکاری همه دولت ها و سازمان های بین المللی صورت پذیرد. رویکردهای حفاظت از محیط زیست در دو رژیم حقوقی قطبی بطور قابل توجهی متفاوت بوده است. از همان ابتدا، حفاظت از محیط زیست در قطب جنوب توسط قوانین بین المللی تنظیم شده است، به این دلیل که ابهام در مسئله حاکمیت یا بی حاکمیتی به این معنی است که هیچ حاکمیت منطقه ای در قطب جنوب وجود ندارد که سیستم های حفاظت از محیط زیست خود را در قسمت های مختلف این قاره داشته باشد. سپس این مقررات بین المللی محیط زیست در سیستم های حقوقی ملی کشورهای عضو مشورتی پیمان قطب جنوب گنجانده شده است. نمونه بارزتری از این رویکرد احتیاطی را می توان در نحوه مذاکره کشورهای عضو مشورتی معاهده قطب جنوب در مورد بهره برداری از مواد معدنی در آن منطقه مشاهده کرد. اگرچه هیچ قطعه معدنی در قطب جنوب استخراج نشده بود، ولی کشورهای عضو مشورتی تصمیم گرفتند که از آنجا که پتانسیل بهره برداری وجود دارد، توسعه مواد معدنی باید تنها پس از آنکه کنوانسیون بین المللی برای تنظیم فعالیت های معدنی و به ویژه تأثیرات زیست محیطی آنها در نظر گرفته شده بود، شروع شود. چالش نظام معاهده ای قطب جنوب این است که چگونه می توان در سطح بین المللی به ویژه در مسئله آب و هوایی قطبی فعال شد زیرا آنها به همراه شورای قطب شمال این توانایی را دارند که طی یک پیام مهم به جامعه جهانی پیامدهای آسیب زا در اثر تغییرات آب و هوایی را ارائه دهند. سیاست بین المللی مشترک شامل شورای قطب شمال و نظام معاهده ای قطب جنوب نیز در روند توسعه کنوانسیون استکهلم در خصوص آلاینده های آلی پایدار موثر مهم خواهد بود زیرا هر دو قطب درگیر آلاینده های ارگانیک مداوم هستند که به دلیل مسائل جوی و جریان اقیانوسی تشدید و به سایر مناطق سرایت می کند.

1. Multilateral environmental agreement (توافق نامه چند جانبه محیط زیست)

منابع

- رائی، سید احمد، ((حقوق بین الملل قطب ها))، تهران، انتشارات معیاد اندیشه، ۱۳۹۸، صص ۱۶-۱۷-۲۶-۲۷ و ۹۴-۹۵
- طلائی، فرهاد، ((حقوق بین الملل کاربردی))، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۱، صص ۶۷-۷۰
- طلائی، فرهاد؛ منصوری، فرنگتاج، نگرشی جدید به وضعیت حقوقی قطب جنوب: قطب جنوب به عنوان میراث مشترک بشریت، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۳، تهران، پاییز ۱۳۸۵، صص ۶۷-۱۲۵
- ملک محمدی نوری، حمیدرضا، ((قاره جنوبگان در حقوق بین الملل و جامعه جهانی))؛ تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چ ۱، ۱۳۷۰، صص ۲۰۴ تا ۲۰۹
- والاس، ربکا؛ مارتین ارتگا، الگا؛ ترجمه زمانی، قاسم و بهراملو، مهناز؛ حقوق بین الملل، تهران، چاپ پنجم، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴، صص ۱۶۸-۱۶۹
- ویکی پدیای فارسی
- Antarctic Treaty” in The New Encyclopedia Britannica “Chicago: Encyclopedia Britannica Inc, 15th edn. 1992, vol 1 , p 439
- BAŞLAR, K. The Concept of the Common Heritage of Mankind in International Law, Martinus Nijhoff, The Hague, 1997, 7. Bölüm.
- BECK, P.J., "Antarctic Treaty After Thirty Years", in Schofield, C.H., ed., World Boundaries: Volume I, Global Boundaries.2013
- BERGUNO, J., "The Antarctic Park: The Issue of Environmental Protection" in VERHOEVEN, et al., dn. 43,2009, 105.
- Blay S.N.K, et al;” Antarctic After 1991” Tasmania , University of Tasmania, 1989, pp 15 -16
- CHOPRA, S.K., "Antarctica as a Commons Regime: A Conceptual Framework for Cooperation and Coexistence", in JOYNER, C.C. & CHOPRA, S.K., (eds.) The Antarctic Legal Regime, Martinus Nijhoff, Dordrecht, 1988, 163-186
- CONFORTI, B., "Territorial Claims in Antarctica: A Modern Way to Deal With an Old Problem" (1986) 19 Cornell International Law Journal 249-258.:
- Declaration of principle Governing the sea – bed and the ocean floor and the subsoil thereof, Beyond the limits of national jurisdiction, United nation General Assembly (UNGA) Resolution, 2749 (XXV)
- FOREMAN, E.F., "Protecting the Antarctic Environment: Will a Protocol be Enough?" (1992) 7 American University International IMW and Policy 843-879, 865, fn.166.
- HERBER, B. P., "The Economic Case for an Antarctic World Park in Light of Recent Policy Developments" (1992) 28 (167) Polar Record 293-300,299.
- Information about the Antarctic Treaty and how “Antarctica is governed” (www.polarconservation.org/education/plpnearticle.2005-12-28.3597747204)Polar Conservation Organization. December 28, 2005
- Jessup, P controls for outer Space and the Antarctic Analogy, Columbia University press, New York, 1961, pp 143-157 ; Boggs,S .W, The polar regions claims to sovereignty in the Arctic and Antarctic Regions, Hein Buffalo, New York, 1990
- JESSUP, P.C. & TAUBENFELD, H.J., "Controls for Outer Space and Antarctic Analogy" 1959, 95-110, in FRANCISCO, V.O., Antarctic Minerals Exploitation, Cambridge University Press, Cambridge, 1988, 459, 459-61.: JENKS, C.W., Common Law of Mankind, Stevens and Sons, 1958,367.
- JORGENSEN-DAHL & OSTRENG, W. (eds.), The Antarctic System in World Polilics, Macmillan. London, 1991
- JOSEPH J., "Comment: Black Gold in a White Wilderness-Antarctic Oil: The Past, Present, and Potential of a Region in Need of Sovereign Environmental Stewardship" (1998) 13 Journal of. Land Use & Environmental Law
- JOYNER, C.C., "The 1991 Madrid Environmental Protocol: Rethinking the World Park Status for Antarctica" (1992) 1/3 Review of European and International Environmental Law 328-339, 335
- LEFEBER, R., "Jurisdiction in the Antarctic Region", (1990)
- LYSTER, S., International V/ildlife Law, Grotius Publications, Cambridge, 1985,157-177.
- MURPHY, B.R., "Antarctic Treaty System: Does the Mineral Regime Signal theBeginning of the End?", (1991) Suffolk Transnational Law Journal 523-545.
- Netherlands Yearbook of International Law 81-137,99 et seq.

- Petersen M.J.; "Antarctica: The Last Great Land Rush on Earth", in Frederic E. Snyder and Surakiart sathirathal. (eds.), *third world Attitudes Toward International Law*, Martinus Nijhof Publishers, Dordrecht, 1990 , pp 269-285
- POLK, W.A., "Welcome to the Hotel Antarctica: The EPA's Interim Rule on Environmental Impact Assessment of Tourism in Antarctica", *Emory International Law Review*, Volume 12, Number 3, Spring 1998, <http://www.law.emorv.edu/EILR/volumes/fall98/polok.html>
- Redgwell, C, "Environmental Protection in Antarctica: The 1991 Protocol" (1994) 43 *International Comparative Law Quarterly* 599-634, 608-63; WELCH, William M., "The Antarctic Treaty System: Is it Adequate to Regulate or Eliminate the Environmental Exploitation of the Globe's Last Wilderness?" (1992) 14/3 *Houston Journal of International Law* 599-657,654
- Rothwell D.R., "A World Park for Antarctic?, *Institute of Antarctic and Southern Ocean Studies*"; Tasmania , University of Tasmania, 1990, p 19
- ROTHWELL, D.R., "Polar Environmental Protection and International Law: The 1991 Antarctic Protocol", *European Journal of International Law* vol. 11/3, 2000, 591-614
- ROTHWELL, D.R., "The Antarctic Treaty: 1961-1991 and Beyond" (1992) *Sidney Law Review* 66-82, 84.
- ROTHWELL, D.R., "UNEP and the Antarctic Treaty System", (Feb. 1999), 29/1, *Environmental Policy & Law* 17-24, 17.
- SAHUIRE, E.J., *The International Law of Antarctica*, New Haven/ Martinus Nijhoff, Dordrecht, 1992.
- SPECTAR, J.M, "Saving the Ice Princess: NGOs, Antarctica & International Law in the New Millennium", (1999) 23 *Suffolk Transnational Law Review* 57-100.
- STOKKE, O.S., "Preserving the Frozen South" (1992) *Green Globe Yearbook* p 133-140.
- "The Antarctica Question in the United Nations" (1986) 19 *Cornell International Law Journal* 275-290.
- VERHOEVEN, J., SANDS, P., & BRUCE, M., (eds.), *The Antarctic Environment and International Law*, Martinus Nijhoff, Dordrecht, 1992
- Warren Kindt John; "A Regime for ice-covered areas: The Antarctic and Issues Involving Resource Exploitation and the Environment" ; in C.C. Joyner and sudhir K. Chopra (eds), *The Antarctic legal Regime* , London, Martinus Nijhoff Publishers, 1988, p 196
- Antarctic Treaty Secretariat (www.ats.aq)
- ILLUECA, J., "Introducing the Antarctic Treaty System", <http://www.unep.ch>
- [Www.asoc.oru](http://www.asoc.oru)
- [Www.law.emorv.edu](http://www.law.emorv.edu)
- [Www.law.emorv.edu](http://www.law.emorv.edu)